

## سیاستمداران تراموا سوار، از هیتلر تا اردوغان

شاخص‌های پی‌درپی تمایلات اقتدارگرایانه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، یادآور این جمله اوست: «دموکراسی مانند یک ترامواست؛ وقتی به مقصد رسیدید از آن پیاده می‌شوید.»



آران نیوز: شاخص‌های پی‌درپی تمایلات اقتدارگرایانه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، یادآور این جمله اوست: «دموکراسی مانند یک ترامواست؛ وقتی به مقصد رسیدید از آن پیاده می‌شوید.» می‌توان گفت که این جمله هشدار برای رأی‌دهندگان ترکیه از جمله افراد بسیاری است که در چندین انتخابات اخیر به حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان رأی داده‌اند اما پدیده رویش انواع اقتدارگرایی در دل دموکراسی فقط متعلق به عصر معاصر نیست و از مدت‌ها پیش وجود داشته است. این پدیده بخشی از فرایند جانشینی در بسیاری از دولت‌ها در یونان باستان بوده که افلاطون در کتاب «جمهور» به آنان پرداخته است. اینکه تدریجاً و شکست‌های یک دموکراسی موجب ظهور یک سیاستمدار عوام‌فریب می‌شود، کسی در نهایت یک حکومت استبدادی را تشکیل می‌دهد. آدولف هیتلر، پس از آن صدراعظم آلمان شد که حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان به رهبری او در یک انتخابات آزاد اکثریت آرا را به دست آورد.

وجود مواردی از این دست در تاریخ، زمزمه‌های اخیر مبنی بر اینکه خطر «یک مرد، یک رأی، یک بار» چیزی عجیب‌وغریب و متعلق به اسلام‌گرایان است را رد می‌کند. در تاریخ سیاسی معاصر تونس، کناره‌گیری دواطلبانه حزب اسلامی النهضه نیز این ادعا را رد می‌کند. نزدیک‌ترین مثال مبنی‌براینکه این پدیده فقط متعلق به اسلام‌گرایان نیست، مجارستان است؛ جایی که ویکتور اوربان، شخصیتی مشابه اردوغان و البته کاملاً غیراسلامی، از راهی دموکراتیک قدرت را به دست گرفت و نخست‌وزیر این کشور شد اما سپس در مسیر اقتدارگرایی گام گذاشت.

نظر اردوغان درباره شباهت‌های تراموا و دموکراسی، یک استعاره دیگر از تراموا متعلق به 50 سال پیش را به یاد می‌آورد. دولت لیندون جانسون، فوریه 1965 از حمله یک ویت‌کنگ به مقر فرماندهی در شهر پلینکو، ویتنام جنوبی، به عنوان یک تراموا برای رسیدن به اهدافش استفاده کرد. در جریان این حمله چندین نظامی آمریکای کشته شده بودند و این واقعه عاملی برای آغاز بمباران هوایی ویتنام شمالی توسط نیروی هوایی ایالات متحده شد. این واقعه به همراه یک حادثه دریایی در خلیج تونکین که در اوت گذشته اتفاق افتاده بود، باعث شد ایالات متحده وارد جنگ ویتنام شود. مک‌گنورگ بوندی، مشاور امنیت ملی جانسون، بعدها به یک خبرنگار گفته بود: «پلیکوها شبیه ترامواها هستند که موظفند دیر یا زود از راه برسند و زمانی که یکی از راه رسید، شما سوار آن می‌شوید و از آن برای رسیدن به جایی که می‌خواهید، استفاده می‌کنید. واقعیت این است که طرح‌ها برای بمباران هوایی ویتنام آماده شده بود و واقعه پلینکو (که بزرگتر از دیگر عملیات‌های ویت‌کنگ‌ها علیه آمریکایی‌ها نبود)، زمان مناسب را برای اجرای این طرح‌ها فراهم کرد.» این نوع استفاده از استعاره تراموا که در آن «عمل به‌دست‌آوردن تراموا» بسیار مهم است تا حدودی با دیگر کاربردهای این استعاره که مهم‌ترین عمل نه به‌دست‌آوردن بلکه «پیاده‌شدن از آن» است تفاوت دارد اما تاریخ نمونه‌های پیاده‌شدن از این تراموای مورد بحث را هم دارد. به‌عنوان مثال یک ماه پس از اینکه هیتلر صدراعظم آلمان شد، آتش‌سوزی ساختمان پارلمان (رایس‌تاگ) به او این فرصت را داد که آزادی‌های مدنی را تعلیق کند که گام بلندی در مسیر استقرار یک رژیم نازی استبدادی بود.

در تاریخ معاصر نیز نمونه‌هایی می‌توان یافت. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، دو سال پیش از ربودن و قتل سه نوجوان اسرائیلی در کرانه باختری، به عنوان فرصتی برای حمله گسترده علیه حماس استفاده کرد. درواقع دولت اسرائیل با القای این مسئله که نوجوانان اسرائیلی هنوز زنده هستند، عامدانه با گمراه‌کردن افکار عمومی ساکنان سرزمین‌های اشغالی عملیات نظامی گسترده‌ای را در کرانه باختری و غزه آغاز کرد که تلفات گسترده‌ای هم بر جای گذاشت. به‌این‌معنا می‌توان گفت که حملات 11 سپتامبر هم، تراموایی برای مروجان جنگ عراق بود؛ کسانی که مدت‌های مدیدی بود تمایل داشتند چنین عملیات نظامی‌ای را علیه عراق اجرا کنند اما برای آغاز آن حمایت کافی افکار عمومی را نداشتند. باوجوداینکه عراق هیچ ارتباطی به حملات 11 سپتامبر نداشت، اما فاجعه فروریختن برج‌های تجارت جهانی و رشد احساسات جنگ‌طلبانه در مردم آمریکا، حمایت لازم برای حمله به عراق را فراهم کرد.

موارد استفاده از استعاره تراموا- سوارشدن یا پیاده‌شدن از آن - باوجود اختلافات در یک مورد مشترک هستند و آن اینکه هر دو به طرز ریاکارانه‌ای به دنبال بهره‌برداری از واکنش افکار عمومی هستند. در تمام این موارد دولتی که از مسیری دموکراتیک به روی کار آمده یا حداقل ائتلافی است که به نحوی نشان‌دهنده نتیجه انتخابات است، مسیری را در پیش می‌گیرد که اولویت گروه کوچکی است که قدرت را در دست دارند نه مسیری که مورد خواست اکثریت رأی‌دهندگان است اما این نوع استفاده از دموکراسی هم از ارزشمندی آن نمی‌کاهد. حاکمان خودکامه‌ای که به دنبال اولویت‌های خود هستند و حتی تلاش نمی‌کنند تا افکار عمومی جامعه را فریب داده یا آن را به جهت خاصی سوق دهند، قطعاً از سیاستمدارانی که به این ترفند متوسل می‌شوند، قابل احترام‌تر نیستند. نظر وینستون چرچیل، درباره دموکراسی هنوز هم قابل قبول است؛ اینکه «دموکراسی بدترین شکل حکومت است اما از تمام حکومت‌هایی که تاکنون آزمایش شده بهتر است.»

دراین‌میان آمریکایی‌ها هم باید به‌اندازه مردمان دیگر کشورها نگران ترامواهای سیاسی باشند. گرچه آنچه آمریکایی‌ها باید بیشتر نگرانش باشند، نه استبداد محروم از آزادی افلاطونی، بلکه سیاست‌های مخرب حاصل از اولویت‌هایی است که رأی‌دهندگان هرگز به آن رأی ندادند.

پل پیلا